بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

**تقریر بحث اصول**

**جلسه 865**

گفتيم که اگر قضیه شرطیه درصدد بیان مطلبی ثبوتی باشد، می­توان اخذ به اطلاق مقامی شرط کرده و اثبات نمود که شرط، بديلی ندارد. اما چنانچه درصدد بیان مطلبی اثباتی باشد، اخذ به اطلاق امکان­پذير نيست.

توضيح مطلب اين است که چون متکلّم در مقام ثبوت در صدد بيان آن چيزی است که در تحقق تالی مدخليت دارد، بنابر اين مقتضای مقام اين خواهد بود که جميع اموری را که می­توانند دخيل در تحقّق تالی باشند، بيان کند و چنانچه اقتصار به ذکر شرط کرد، از اطلاق کلام اين گونه برداشت می‎شود که تنها علّتی که در تحقّق تالی مدخليت دارد ـ به اين معنا که بدیلی برای آن وجود ندارد ـ همان شرطی است که در کلام متکلم ذکر شده است.

در حالی که در مقام اثبات از آنجا که متکلم فقط در صدد بیان آن چيزی است که می‎تواند به مخاطب وی کمک کند تا اين که متوجه شود که تالی محقق شده است يا نه و ذکر جميع اموری که در تحقق خارجی تالی دخيل هستند برای وی اهمیتی ندارد، می‎تواند در اين مقام اقتصار به ذکر مواردی کند که آنها را در جهت کمک کردن به مخاطب در اين راستا دارای اهمیت بیشتر و يا مثلاً سهل المؤونه‎تر می‎داند و مقتضای مقام اثبات بر خلاف مقام ثبوت اين نيست که متکلم جميع اموری را که در اثبات تالی برای مخاطب می‎تواند تأثير داشته باشد، برای وی بيان نمايد.

به عبارت ديگر چون در مقام اثبات غرض ارائه طریقی جهت تحصیل علم است و در اين مطلب خصوصيات مخاطب کلام دخيل است، بنابر اين نمی­توان متکلم را از اين جهت که اراده ارائه جميع طرق اثباتی را کرده باشد، در مقام بیان دانست، بلکه متکلم می­تواند فقط طرقی را که برای مخاطب خود مناسب می­بيند مطرح کند.

بنابر اين نتيجه بحث تا بدين جا اين شد که اگر احراز شود که قضیه شرطیه مربوط به مقام ثبوت است، اشکالی در اخذ به اطلاق آن وجود نخواهد داشت.

اما در جایی که شک شود که قضیه شرطیه مربوط به مقام ثبوت است یا اثبات، چنانچه جمله شرطیه، خبریه باشد، نمی‎توان بدون قرينه خارجیه حکم کرد که آن قضیه مربوط به کدام یک از دو مقام مذکور است، زيرا مخبر به همان گونه که می‎تواند مربوط به مقام ثبوت باشد، ممکن است که ارتباط به مقام اثبات نيز داشته باشد.

ولی قضایای شرطیه انشائيه لزوماً مربوط به مقام ثبوت بوده و نمی‎توانند به مقام اثبات ارتباطی داشته باشد، زيرا در اين قضایا، طلب ايجاد مطلوبی می­شود که مترتب بر شرط است و يا زجر از ايجاد منهی عنهی صورت می­پذيرد که مترتب بر شرط است و لازمه اين مطلب، مقيّد شدن مطلوبیت مطلوب و يا مبغوضيّت منهی عنه به شرط است که ارتباط به مقام ثبوت دارد نه اثبات.

ادامه بحث را جلسه آينده پی می­گيريم ان شاء الله.